

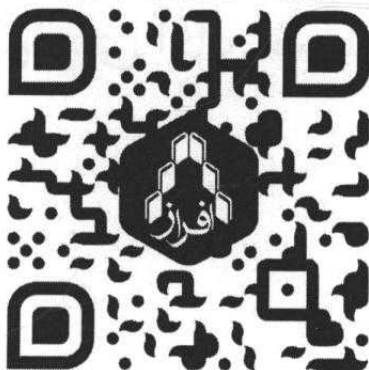
سیاره‌ی آقای سملر

www.ketab.ir



۱۳۹۷

با اسکن کد آگرافی اطلاعات بیشتر و اپلودیشن انتشارات افراز را دریافت کنید.



afrazbook.com

@afrazbook



66977166 - 66101583



ebook.afrazbook.com

www.ketab.ir

سرشناسه: بلو، سال، ۱۹۱۵ - ۲۰۰۵ م. Bellow, Saul

عنوان و نام پدیدآور: سیاره آقای ساملر / [سال بلو]: مترجم منصوره وحدتی احمدی

مشخصات نشر: تهران: افراز، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۲۸۶-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Mr. Sammler's planet, 1970.

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م. / American fiction -- 20th century

شناسه‌ی افزوده: وحدتی احمدزاده، منصوره، ۱۳۳۴، مترجم

رده‌بندی کنگره: PS ۳۵۰۵ / J ۹ س ۹ ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۸۴۱۴۲۲



انتشارات افراز

دفتر مرکزی و فروش:

خیابان دانشگاه، پایین تر از جمهوری، کوچه دانا، پلاک ۱۲

تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶

مرکز پخش: ۶۶۴۰۱۵۸۵-۶۶۴۸۹۰۹۷

وبسایت و فروشگاه اینترنتی:

www.afrazbook.com

اپلیکیشن افراز:

ebook.afrazbook.com

سیاره‌ی آقای سمیر

سال ۱۳۹۷

مترجم: منصوره وحاجی احمدزاده

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۷

طراحی جلد: یاسین محمدی/ آنلاین افراز

آرایش صفحات: یاسمین حشدری

ویراستاری: مسعود احمدی

چاپ و صحافی: دوستان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

مقدمه‌ی مترجم

میل به بازنگری گذشته به خاطر شرایط پدر و مادرم در من بسیار قوی بود. آن‌ها که همه چیز خود را از دست داده، برایم بسیار مهم بودند. والدین‌ام در سن پترزبورگ زندگی خوبی داشتند. مادرم همیشه از خانه ویدئو و زندگی راحت‌اش و این‌که چگونه همه چیزش از دست رفته صحبت می‌کرد. او که در روسیه خدمتکار داشت، در کبک در آشپزخانه کار می‌کرد؛ می‌پخت و می‌شست و لباس‌ها را رصه پینه می‌کرد. اما انسان می‌تواند با کمک نوعی طنز تلخ شرایط تحقیرآمیز را کم‌کم به‌مل‌پذیر کند.

سال بلو نویسنده کانادایی - آمریکایی به سال ۱۹۱۵ - در کبک کانادا به دنیا آمد. ۱۹۱۳ پدر و مادرش از سن پترزبورگ روسیه به کانادا مهاجرت کردند. او تا نه سالگی در بخش فقیر نشین و چند زبانه‌ی مونتreal که متشکل از مهاجرین روسی، لهستانی، اکراینی، یونانی و ایتالیایی بود بزرگ شد. سال ۱۹۲۴ خانواده‌اش به شیکاگو نقل مکان کردند. شهری که پس‌زمینه بسیاری از رمان‌هایش را شکل داد. بلو در شیکاگو وارد دانشگاه شد ولی پس از مدتی به دانشگاه نورث‌وسترن انتقال یافت و در رشته انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی تحصیل کرد و فارغ‌التحصیل شد.

او با خواندن آثار شکسپیر و رمان‌های نویسندگان برجسته روسیه رشد کرد. پادهورتس در تفسیری از کتاب رولشتاین که توصیفی است از دوست نزدیک‌اش

آلن بلوم، گفته است که بلو و بلوم کتاب‌ها و اندیشه‌ها را به درون می‌کشیدند، در حالی که ما هوا را استنشاق می‌کنیم.

دوره بیماری عفونت ریوی در هشت سالگی سبب شد که او متکی به خود بار بیاید و فرصتی برایش پیش آورد که عطش خواندن‌اش را فرو نماند. زمانی که کتاب کلبه عمو تام اثر هریت بیچر استور را خواند تصمیم گرفت نویسنده شود. هر چند سال‌ها گذشت تا اولین کتاب خود، مرد معلق را به سال ۱۹۴۴ به چاپ رساند. از دیگر رمان‌های او می‌توان به قربانی ۱۹۴۷، ماجراهای اوگی مارچ ۱۹۵۳ (برنز)، جایزه کتاب ملی ۱۹۵۴، امروز را دریاب ۱۹۵۶، هندرسون شاه باران ۱۹۵۹، رتبه ۱۹۶۴ (برنده جایزه کتاب ملی ۱۹۶۵)، سیاره آقای سملر ۱۹۷۰ (برنده جایزه کتاب ملی ۱۹۷۱)، هدیه هامبالت ۱۹۷۵ (برنده جایزه پولیتزر ۱۹۷۶)، دسامبر منس دانسکده ۱۹۸۵، واقعی ۱۹۹۷ و رولشتاین ۲۰۰۰ اشاره کرد. بلو برای آثار ادبی‌اش جایزه بل ایات سال ۱۹۷۶ را از آن خود کرد. کتاب‌های مرد معلق، رولشتاین، واقعی، کتاب‌ها و رولشتاین (به چاپ رسیده از ترجمه‌های این مترجم است. بلو در آوریل ۲۰۰۵ در برکلین ماساچوست در گذشت.

داستان سیاره آقای سملر در نیویورک در دوران آشوب‌های اواخر دهه ۱۹۶۰ شکل می‌گیرد. سملر بازمانده هلوکاست، مردی روش‌نگر است که در سال‌های دهه ۱۹۶۰ گاه در دانشگاه کلمبیا سخنرانی می‌کند. او به گونه‌ی وانگی است. فردی پرهیزکار و متمدن که میان جمعی دیوانه که با وعده فرود آمدن در ماه داشتن آینده‌ای درخشان و امکانات بی‌پایان دلخوش‌اند، گیر کرده است. و برای همه متأسف است و از ته قلب دل می‌سوزاند. سملر می‌بیند که تجمّل و خوش‌گذرانی‌های زیاد و تن‌آسایی، فقط به رنج بیشتر انسان منجر شده است.

او در کشت و کشتار نازی‌ها هم به لحاظ جسمانی صدمه دیده و هم به لحاظ روانی. بینایی یک چشم‌اش را از دست داده و از نظر احساسی و فکری احساس بیگانگی و ناهمبستگی می‌کند. سملر با چشم سالم‌اش نظاره‌گر مردم جهان و دیوانگی‌هایشان است و با چشم نابیناش رویدادهای جاری را درونی

می‌کند و از دانسته‌های تاریخی و فلسفی خود برای تجزیه و تحلیل و تلفیق رویدادها بهره می‌گیرد.

هر چند بعضی از منتقدان داستان را پاسخی به هلوکاست یا نوحه سرایی علیه آشوب‌های اجتماعی سال ۱۹۶۰ می‌دانند اما بسیاری معتقدند که سیر این کتاب همچون هرتزوک با تضادهای بین عقل و شهود همراه است؛ بین داشتن نقش در جهان و یا کنار ایستادن و تماشای آن.

ممدان آرام تا پایان کتاب شکل می‌گیرد و سملر به تعادل می‌رسد. جویس کارول ویس می‌نویسد که پایان داستان شگفت‌زده‌اش کرده، و می‌گوید آن‌قدر قوی است که «افاصاً رادار می‌شوی کل کتاب را دوباره بخوانی. او معتقد است که خواننده در روند خواندن کتاب تغییر می‌کند و تازه در پایان آماده خواندن کتاب می‌شود.

سملر با خدا صحبت می‌کند. این صحبت او یا به وجود حقایق اخلاقی عینی اشاره دارد یا به وجود خود خدا. «چون حقیقت این است که همه می‌دانیم، خداوندا، که ما می‌دانیم، که ما می‌دانیم، ما می‌دانیم، ما می‌دانیم.»

چند سال بعد از بلو خواسته شد این چند سطر آخر را توضیح دهد. او گفت که شما در کتاب مقدس عهد جدید مسیحیان پیوسته عقیده عیسی مسیح را می‌خوانید که می‌گوید بشر بدون واسطه تفاوت بین خیر و شر را نمی‌داند و تا اندازه‌ای این همان معنای ایمان است. یعنی دانشی ضمنی - اگر ابدی - وجود دارد که انسان‌ها از آن سهم دارند و اگر ارتباط‌هایشان را بر اساس این دانش اتمی برقرار کنند هستی می‌تواند دگرگون شود. «روح هر چه را می‌خواست طلب می‌کرد و دانش ذاتی خود را داشت. بدبختانه روح بر سطح توضیح نشست. پرنده بیچاره نمی‌دانست به کدام سو پرواز کند.»